

تجلی مضامین دینی در شعر معاصر فلسطین

عزت ملا ابراهیمی^۱

چکیده:

فلسطین گهواره ادیان بزرگ توحیدی و نقطه پیوند تمدنها است. این سرزمین مقدس میعادگاه ابراهیم خلیل(ع)، مهد مریم عذرا (س)، زادگاه عیسی بن مریم (ع) و محل معراج پیامبر(ص) است و پیروان ادیان سه گانه توحیدی اعم از مسلمانان، مسیحیان و یهودیان را در خود جای داده است. اگر در شعر معاصر فلسطین نظری بیافکنیم خواهیم دید که همواره رنگ دینی و صبغه مذهبی بر شعر این مرز و بوم سایه دارد. شاعران مسلمان فلسطینی همواره در خلال آثارشان به تبیین افکار، اندیشه، عقاید و دیدگاه‌های خود پیرامون جهان هستی، مرگ، مبدأ، معاد، آخرت و... می‌پردازند و به هنگام بیان آن‌ها می‌کوشند تا حوادث جاری و وطنشان را با جنبه‌های الهی و قدسی درآمیزند و با الهام از کلام و حیانی زمینه لازم را برای دستیابی به پیروزی نهایی و رهاسازی سرزمینش از چنگال اشغالگران فراهم سازند.

کلید واژه‌ها: فلسطین، شعر معاصر، قرآن، مضامین دینی، آزادی.

رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

بر طبق شواهد تاریخی پیامبر اسلام (ص) از شاعرانی چون حسان بن ثابت یا کعب بن زهیر که هنر و زبان خود را در راه دفاع از آیین اسلام به کار گرفته بودند، با احترام یاد می‌کرد. قرآن کریم نیز شعرای متعهد و با ایمانی را که در مسیر ظلم ستیزی گام برداشته، ستوده است: «وَ الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ * أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ * وَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَ

انْتَصِرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ». (الشعراء، ۲۲۴-۲۲۷) یعنی: گمراهان از شاعران پیروی می‌کنند. آیا نمی‌نگری که در هر وادی سرگردانند. آنان سخنانی را بر زبان می‌رانند که بدان عمل نمی‌کنند. مگر آنان که ایمان آورده‌اند و نیکوکارند و بسیار یاد خدا می‌کنند و آنگاه که مورد ظلم قرار گرفته‌اند، یاری خواستند و آنان که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست که به کدام بازگشتگاه برخواهند گشت. به اعتقاد رسول اکرم (ص) هجو دشمنان و کفار به کمک شعر از ضربه شمشیر برنده‌تر و نافذتر است. (زیبیدی، ۴۶۲) پر واضح است که اسلام به شعر و شاعران اهتمام می‌ورزد. چه، در عصر رسول گرامی اسلام (ص) بود که شعرا همچون لشکریانی مسلح برای حراست از آیین نوپای اسلام به پا خواستند و در واقع بازوی توانمندی در راه دفاع از پیامبر (ص) و مسلمانان به شمار می‌رفتند. از این رو شعر دینی که در طول تاریخ نمونه‌های فراوانی از آن در دست است، نقش مستمر و اساسی در تبیین امور مذهبی دارد و از مضامینی چون دفاع از دین و آیین، زمین، وطن، مقدسات، ناموس، ظلم ستیزی، جهاد در راه خدا، آزادی، کرامت انسان و... سخن می‌گوید. (خلیل، ۹۶)

شعر دینی فلسطین توانست پیوندی تنگاتنگ با توده مردم برقرار کند. زیرا اعتقادات دینی انسان را به حفظ میراث فکری، فرهنگی و تاریخی، صیانت از مقدسات اسلامی، پایبندی به اخلاق نیک، انجام عمل صالح، التزام به امور شرعی و جهاد در راه خدا فرا می‌خواند و سراسر خیر و نیکی را برای بشر به ارمغان می‌آورد. از این روست که در شعر معاصر فلسطین با انبوهی از مفاهیم دینی و مذهبی مواجه می‌شویم، که به جهت گستردگی موضوع تنها به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

مضامین دینی شعر

۱- ظلم ستیزی

سردمداران صهیونیست به بهانه حمایت از قوم و آیین یهود، پیوسته تلاش کردند تا به طرق مختلف مادی و معنوی نفوذ خود را در میان یهودیان جهان تحکیم بخشند و نبض تجاری، اقتصادی، صنعتی و سیاسی آنان را در دست گیرند. به اعتقاد وهسی انسان تنها قوم یهود «نژادبرتر» خداوند در روی زمین هستند و ملت‌های دیگر برای خدمت به

آنان آفریده شده‌اند. (ابویصیر، ۷۵) این اهداف توسعه طلبانه به وضوح در مفاد «پرتکل‌های حکمای صهیون» که در کنگره بال سویس از تصویب سردمداران صهیونیستی گذشت، ترسیم شده است.^۱ شاعران مسلمانان فلسطینی از دیرباز به بررسی فعالیت سیاسی صهیونیست‌ها و بر ملا کردن توطئه‌های پشت پرده آنان پرداختند؛ بر ادعاهای آنان خط بطلان کشیدند و تاریخ سراسر خدعه و نیرنگ آنان را نکوهیدند. (طوقان، ۷۸-۷۹)

بَيْنَ أَسْفَارِهَا خَلَّاتِقُ عَنكُمْ
يُوسُفُ بَاعَهُ أَبُوكُمْ يَهُودًا
مُبْتَادَاهَا وَمُنْتَهَاهَا ذَمِيمٌ
إِنَّ حُسْبَ الدِّينَارِ فِيكُمْ قَدِيمٌ
وَكَفَرْتُمْ بِنِعْمَةِ اللَّهِ حَتَّى
ضَاقَ ذَرْعًا بِالْكَفْرِ مُوسَى الْكَلِيمُ
وَبُطُونُ التَّارِيخِ فِيهَا عَجِيبٌ
وَبُطُونُ التَّارِيخِ فِيهَا عَجِيبٌ

در اسفار تورات خصوصیات اخلاقی شما آمده است که آغاز و انجام آن همگی مذمت و سرزنش است. پدر شما یهوذا حضرت یوسف (ع) را فروخت. عشق ثروت‌اندوزی در میان شما حکایتی دیرینه دارد. چنان که فرمان نعمت الهی را پیشه ساختید که سینه حضرت موسی (ع) از اعمال کفر آمیز شما به تنگ آمد. صفحات تاریخ آکنده از حوادث شگفت انگیزی درباره کارهای ننگین شماست.

۲- اتحاد و همبستگی

به هنگام اشغال فلسطین در ۱۹۴۸ مسیحیان بدون توجه به علایق مذهبی، همگام با مسلمانان در راه دفاع از کیان ملی خود صف واحدی تشکیل دادند. پیوسته میان مسلمانان و مسیحیان دوستی، محبت و همکاری برقرار بود. از این رو وقتی کمال ناصر، یکی از رهبران جنبش ملی فلسطین توسط صهیونیست‌ها ترور شد، به منظور تحکیم پیوند و همبستگی، این شاعر و مجاهد مسیحی را در مقبرة الشهداء مسلمانان به خاک سپردند. (یاغی، ۱۷۳)

شعرای مسلمان فلسطینی به مصداق آیه «وَاعْتَصِمُوا جَمِيعًا بِحَبْلِ اللَّهِ وَلَا تَفَرَّقُوا». (آل عمران، ۱۰۳) همواره برای تحکیم پایه‌های اتحاد و پیوند میان صفوف

۱- برای اطلاع از مفاد آن نک: کیالی، تاریخ فلسطین الحدیث، ۱۲۵-۱۲۷؛ احمد، فلسطین تاریخا و

مختلف مردم تلاش کردند. به عنوان مثال حسن بحیری از سرزمین فلسطین به عنوان «مهد مسیح (ع)» و مکان «معراج پیامبر (ص)» یاد می‌کند و امیدوار است تا سرانجام صلح و دوستی عادلانه ای در این سرزمین مقدس سایه افکند. (همو، ۵۸-۶۱)

يَا رُبُوعَ السَّلَامِ أَيْنَ رَسُولِ آلِ
 حُسْبِ وَالنُّورِ وَالْهُدَى وَالسَّلَامِ
 أَيْنَ مَنْ كَفَّهُ إِذَا لَمَسَتْ صَدَّ
 رَأُ شَفْتَهُ مِنْ مَوْجِعَاتِ السَّقَامِ
 أَرْضُهُ وَهِيَ مَهْدُ الظَّهِيرِ وَالْخَيْرِ
 رَوْضَةٌ وَهُوَ مَأْوَى الزَّهْرِ وَالطَّيْرِ
 ای سرزمین صلح و آسایش آن پیام آور عشق، نور، هدایت و صلح کوه؟ کجاست آنکه
 هرگاه دست بر سینه مریضی می‌کشید درد و بیماری‌اش بهبود می‌یافت؟ سرزمین آن
 پیامبر همواره گهواره خیر و پاکی‌ها و بیستانش منزله گل‌ها و پرنده‌هاست.

کمال ناصر نیز به رغم سوز و گدازی که از رهگذر اشغال فلسطین در خود می‌یابد، به درگاه رسول صلح و دوستی عیسی بن مریم (ع) شکوه می‌برد. اما در عین حال «عزم ملی» توده‌ها را در باز پس گیری وطن به یاری می‌طلبد. چه، به اعتقاد شاعرستاندن حق جز با جهاد و مبارزه امکان پذیر نیست: (همو، ۳۴۳-۳۴۵)

يَا لَيْلَةَ الْمِيلَادِ قَوْلِي لِلَّذِي
 أَنْزَلْتَهُ لِلسَّوْعِظِ وَالْإِرْشَادِ
 إِكْلِيلِكَ الْفَخْمِ الْجَمِيلِ تَنَاءَثَرَتْ
 أَشْوَاكُهُ فِي أُمَّتِي وَبِلَادِي
 وَسَعَى إِلَيْهِ الْغَاصِبُونَ فَشَيَّدُوا
 صَرْحاً عَلَى الْأَلَامِ وَالْأَكْبَادِ
 عَيْسَى بِنَ مَرْيَمَ قَدْ عَرَفْتُكَ هَادِئاً
 فَأَغْضِبْ وَلَوْ فِي لَيْلَةِ الْمِيلَادِ
 أَنْظِرْهُنَاكَ تَرَّ الْعَذَابِ مَجْسِداً
 فِي خِيْمَةٍ مَقْرُورَةَ الْأَوْتَادِ
 وَغَدَا سَيْمَشِي الشَّعْبُ مَعْرَكَةً لَهُ
 فَالْحَقُّ لَا يَلْعَسُو بِغَيْسِرِ جِهَادِ
 سَيَعِيشُ هَذَا الشَّعْبُ مَهْمَا أَبْطَأَتْ
 أَحْلَامُهُ فِي غَفْلَةِ الْأَبَادِ

ای شب میلاد مسیح به آنکه او را برای هدایت و ارشاد مردمان فرستاده ای بگو
 خارهای تاج گل زیبا و بانسکوهت در میان هموطنان سرزمین من پراکنده شد.
 اشغالگران به سویس شتافتند و بر فراز آلام و پیکرهای زنجور این امت کاخ ستم خود
 را بنا نهادند. ای عیسی بن مریم هر چند تو را پیامبری آرام و صبور یافتم، اما اینک در

شب تولدت خشم و غضب خود را بر سر کافران فرو ریز. به این سو بنگر و ببین که درد و عذاب تا اعماق ستونهای سرد و بی روح خیمه هار سوخ کرده است. فردا مردم به مبارزه خواهند پرداخت. چه، حق جز با مجاهدت به دست نخواهد آمد. چنانچه اراده این ملت در راه تحقق آرمان هایش به سستی گراید، قطعا در غفلتی ابدی به سر خواهد برد.

۳- بیان عظمت اسلام

اساس دین اسلام بر پایه اطاعت از خداوند و رسول، برقراری قسط و عدل و تفاهم میان مردم استوار است. قرآن نیز در این راستا صراحتاً می فرماید: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تَرْحَمُونَ». (آل عمران، ۱۳۲) یعنی: از حکم خدا و رسولش فرمان برید. باشد که مشمول رحمت پروردگار شوید و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ» (النساء، ۱۳۵) یعنی: ای اهل ایمان عدالت را بر پا دارید و برای خدا شهادت دهید. پیوسته در طول تاریخ پیامبر گرامی اسلام (ص) و مسلمانان مخلص برای تبیین این مبادی اصولی تلاش می کردند. در فلسطین نیز برهان الدین عبوشی از عظمت دین مبین اسلام، سرفرازی مسلمانان، تکامل و پویایی این دین ماهرانه سخن گفته است. (همو، ۱۰۹-۱۱۰)

أَللهُ أَكْمَلُ دِينَهُ وَأَتَمُّهَا
فِينَا كِتَابُ اللَّهِ يَنْظِمُ عَقْدَنَا
وَكَمَا أَبَادَ الرُّومَ فِي يَرْمُوكَ
فَلرَايَةَ الإِسْلَامِ أَفْصَحُ شَاسِعُ
نِعْمًا تَفِيضُ وَعِزَّةٌ تَنَاقُ
كَسَلْسَلِ المُدْرَعِ لَا تَتَشَقُّقُ
سَيُبِيدُ مَنْ يَبْغِي عَلَيْهِ وَيَسْحَقُ
يَهْفُو لَهَا قَلْبٌ وَعَيْنٌ تَرْمَقُ

خداوند دین خود را با نعمت هایی سرشار و شکوهی تابناک کمال بخشید. کتاب خداوند در میان ما پیوندی ناگسستنی همچون حلقه های زره ایجاد کرده است. همانگونه که خداوند سپاه رومیان را در «یرموک» منهزم ساخت، هر آنکه را ستم پیشه کند نابود خواهد ساخت. پرچم اسلام در پهنه بیکران هستی به اهتزاز در خواهد آمد. قلب ها به سویس پر می کشند و چشم ها بدان خیره خواهند ماند.

دیگر شعرای فلسطینی همچون محمد صیام و عدنان نحوی بر این نکته تاکید دارند که تنها راه رهایی ملت فلسطین از چنگال یهود در ایمان به خدا و تمسک به قرآن کریم

نهفته است. از این رو خواستار توجه مردم به خدا و فرامین دین مبین اسلام هستند تا زمینه پیروزی کامل آنان تحقق یابد. (جرار، ۱۲۰)

۴- پیامبر و صحابه

موضوع مدح انبیای الهی (ع)، صحابه رسول گرامی اسلام، شکوه به درگاه این بزرگواران و در نهایت استمداد خواستن از آنان یکی دیگر از مسائلی است که شعرای فلسطینی بدان پرداخته‌اند. افزون بر آن مفاهیم دیگری در این راستا توجه شاعران مسلمان فلسطینی را به خود جلب کرده که عبارتند از: اشاره به معراج پیامبر (ص) از مسجد الحرام به مسجد الاقصی به مصداق آیه «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا» (بنی اسرائیل، ۱)، یعنی: پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را از شبانه از مسجد الحرام به مسجد الاقصی برد که پیرامونش را مبارک و پر نعمت ساختیم تا آیات خود را به او بنمایانیم؛ تاکید بر عظمت و منزلت والای پیامبر در میان سایر انبیای الهی با توجه به آیه «... وَ لَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ...» (الاحزاب، ۴۰) بر دوش کشیدن رسالت پیامبری برای رساندن مردم به ساحل نور و هدایت با تصریح آیه «وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا» (فرقان، ۵۶) یعنی: ما تو را نفرستادیم مگر اینکه مردم را به رحمت پروردگار بشارت دهی و از عذاب او برهانی.

یوسف نهانی به عنوان شاعری دینی، قصاید فراوانی در مدح پیامبر (ص) و قرآن کریم دارد، که در آن‌ها از صفات رسول گرامی، تاثیر رسالت پیامبر خاتم درمیان جهانیان، فضیلت قرآن، بعثت، مرگ، حشر، هستی، حیات و تعالیم عالی اسلام در نظام زندگی و عبادی سخن به میان آورده است: (همو، ۲۲۲-۲۲۴)

قَدَ أَتَى الْمُصْطَفَى نَبِيًّا رَسُولًا	طَبِقَ مَا بُشِّرَتْ بِهِ الْأَنْبِيَاءُ
لِيَجْمَعَ الْأَنْامَ أَرْسَلَهُ اللَّهُ خَتَامًا	لِلرُّسُلِ وَ هُوَ ابْتِدَاءُ
أَطْلَعَ اللَّهُ شَمْسَهُ فَاسْتَنَارَتْ	قَبْلَ كُلِّ الْأَمَاكِينِ الْبَطْحَاءُ
لِقَبْوَةِ الْأَمِينِ مِنْ قَبْلِ هَذَا	وَ قَلِيلَ بَسِينِ الْوَرَى الْأَمْنَاءُ

حُجَّةُ اللَّهِ فَوْقَ كُلِّ الْبَرَايَا فِيهِ عَنِ كُلِّ حُجَّةٍ إِغْنَاءُ

پیامبر مصطفی بر اساس بشارتی که انبیاء پیشین داده بودند، به رسالت برگزیده شد. خداوند وی را به عنوان خاتم پیامبران برای هدایت مردم فرستاد، حال آنکه نخستین بود. پروردگار خورشید فروزان خویش را مبعوث کرد و آن خورشید پیش از دیگر مناطق بر سرزمین بطحاء تابید. او قبل از بعثت به محمد امین لقب یافت. حال آنکه شمار امانتداران در میان مردم بسیار اندک بود. وی حجت خدا در میان مردم است و از هرگونه دلیل برهان مستغنی است.

شاعر در ادامه قصیده پیامبر اسلام را آخرین سفیر الهی می‌داند که به واسطه او تعالیم روح‌بخش قرآن برای هدایت بشر فرستاده شد. او در میان مردم مکارم اخلاق را رواج داد و آنان را از تعصبات نژادی، قبیله‌ای و عادات ناپسند جاهلی رهانید، همان که به عدل و داد فرمان می‌دهد. صفوف آنان را متحد می‌سازد، و آنان را در راه ایمان، کسب فضایل، ایثار و جانفشانی در راه خدا به مسابقه وا می‌دارد. او پیوسته بذر محبت، دوستی، صمیمیت را میان مسلمانان می‌افشاند تا تقوی الهی را پیشه سازند. شاعری دیگر نیز در پیشگاه پیامبر (ص) از نابسامانی اوضاع پناهندگان فلسطینی که خانه و کاشانه خود را از دست داده و به رحمت و شفاعت رسول اکرم چشم دوخته‌اند، شکوه می‌برد: (رشید، ۳۹۱)

مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّنِي ضَائِعٌ ضَائِعٌ وَ شَعْبِي فِي مَهَبِ الرِّيحِ مِثْلِي تَائِسَةٌ جَائِعَةٌ
تُقَادِفُهُ الرِّيحُ الْهَوَجُ غَيْرَ الْعَالِمِ الْخَسَاعِ فَأَيْنَ بَشِيرِهَا لِلْكَوْنِ أَنْتَ مَنَارُهَا السَّاطِعُ
وَأَنْتَ بَشِيرُهَا لِلْكَوْنِ أَنْتَ الْمُرْشِدُ الْوَادِعُ مُحَمَّدُ أَنْتَ نَجْدَتُنَا وَأَنْتَ حَبِيبُنَا الشَّافِعُ

ای پیامبر ای رسول خدا من نابود گشته‌ام و هموطنانم نیز چون من به هنگام وزش طوفان‌ها سرگردان و گرسنه‌اند. طوفان‌های سهمگین در دنیای سراسر فریب بر آن‌ها وزیده است. پس بشارت دهنده جهان هستی کو. تنها تو چراغ فروزان آن می‌باشی. ای پیامبر تو بشارت دهنده هستی، هدایتگر مردمان، امانتدار، دوست و یاور شفاعت کننده ما هستی.

یاران رسول اکرم (ص) نیز که رهروی واقعی خط مشی پیامبر اسلامند، بخش دیگری از شعر شعرای فلسطینی را به خود اختصاص می‌دهد. آنان صحابه پیامبر (ص) را دعائم دین الهی می‌دانند که آیین نوپای اسلام به مدد آنان نضج گرفت، آنانی

که فتوحات بیشماری را رهبری کردند و دوشادوش پیامبر در راه گسترش حق و عدل کوشیدند. اسکندر خوری بیتجالی و هارون هاشم رشید از شعرائی هستند که قصایدی در مدح صحابه سروده و ضمن برشمردن فضایل آنان اشاره‌ای گذرا نیز به تاریخ اسلام داشته‌اند. (جرار، ۸۵)

۵- فضیلت قرآن کریم

شاعران فلسطینی در میان کتاب‌های آسمانی بیش از همه از عظمت قرآن کریم یاد کرده‌اند. چه، خداوند در این راستا می‌فرماید: «نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ هَدَىٰ لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ» (آل عمران، ۲۵) یعنی: آن خدایی که قرآن را به حق بر تو نازل کرد و پیش از آن تورات و انجیل را برای هدایت مردم فرستاد و کتاب جداکننده حق و باطل را نازل کرد. از این رو مدح و ستایش قرآن کریم حجم وسیعی از سروده‌های آنان را به خود اختصاص داده است: (محمود، ۱۹۶)

كِتَابٌ أَضَاءَ ذِياجِي الظُّلْمِ وَأَهْدَى الْأَنْسَامَ لَاهْدَى أُمَمٍ
وَكَانَ الرَّعَاءُ رِعَاءَ الشَّيْءِ فَصَارَ الرَّعَاءُ رِعَاءَ الْأُمَمِ
كَلَامٌ الْعَظِيمِ عَظِيمُ الْكَلَامِ فَجُلُّ الْعَظِيمِ وَجُلُّ الْكَلِيمِ

قرآن کتابی است که پرده‌های ظلم را درید و مردم را هدایت ساخت تا هدایتگرا قوام دیگر باشند. مردم قبلاً به چراندن گوسفند مشغول بودند، اما در سایه تعالیم الهی راهنمایی دیگر ملتها را در دست گرفتند. کلام و سخنان قرآن بسی والاست و قرآن کریم و کلامش در اوج عظمتند.

شاعر در ادامه قصیده ابراز امیدواری می‌کند که به برکت قرآن کریم وحدت کلمه در میان مسلمانان تحقق یابد، که در آن صورت تحقق نصر و پیروزی حتمی است. شاعران دیگری چون محمود سلیم حوت، محیی الدین حاج عیسی و... نیز قصاید فراوانی در مدح قرآن سروده‌اند. (سوافیری، ۱۴۰-۱۴۵) به اعتقاد آنان به فضل قرآن و با آمدن دین مبین اسلام، ادیان آسمانی گذشته منسوخ گشته و آیات محکم قرآن امکان هرگونه ریب، شبهه و تحریف را منتفی ساخته است. چه، خداوند در این باره صراحتاً

می فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَازِيْبٌ فِيْهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِيْنَ». (البقره، ۲) یعنی: این کتاب بی هیچ ریب و شکی راهنمای پرهیزکاران است.

افزون بر آن تأثیر پذیری و اقتباس از مضامین قرآنی در میان شاعران فلسطینی رواج فراوان دارد. آنان گاه از معانی قرآن و گاه از الفاظ قرآن اقتباس می کنند و زمانی هم از تصاویر این کتاب مقدس الهام می گیرند. در این میان ابراهیم طوقان در قصیده ای با عنوان «اقتباسات من القرآن» که احتمالاً در ۱۹۲۹ و پس از حوادث خونین قیام براق سروده شده، آیات قرآن را ماهرانه در لابه لای اشعار خود تضمین کرده است. (نک: همو، ۱۵۶) همچنین خواهرش فدوی طوقان نیز در سراسر آثار خود فراوان از کلام الهی بهره برده است. به عنوان مثال در بیت زیر شاعر از معنای آیه «وَالتَّجْمِيْمِ اِذَا هَوٰى» (التجم، ۱) اقتباس کرده است: (طوقان، قدوی، ۳۲۷)

وَكَالتَّجْمِيْمِ اَهْوَتْ هُوِيَاً
بِأَيِّ اِحْتِيَادٍ وَعُغْنَفٍ
مانند ستاره افول کرد، چه سخت و شدید.

در جای دیگر وی لفظ آیه «يَقُوْلُ الْاِنْسَانُ اِيَوْمَ مِيْذِيْنِ الْمَقْرَرِ» (القيامة، ۱۰) را به کار برده است: (همانجا، ۳۳۰)

اَوْاهُ يَا قَلْبًا يُّكَابِدُ الْجَحِيْمِ وَالْقَدَرِ
وَ لَا مَقْرَرًا اِيْنَ الْمَقْرَرِ قُبُوْرًا قَرَارًا لَهَا
آه از قلبی که جهنم و سرنوشت را تحمل می کند و گریز ناپذیر است. گریزگاه کجاست، آنها قبرهای بی قرارند.

همچنین فدوی در یکی از قصاید خود از داستان حضرت نوح اقتباس می کند: (همانجا، ۳۳۳)

نَادَيْتُ مَرْكَبَهَا الْغَادِي فَمَا عَرَفْتُ
صَوْتِيْ وَ وَاجَهْتُ مَسْرَاهَا فَلَمْ تَرْنِيْ
کشتی صبح هنگام او را صدا زدم. صدایم را نشناخت و به منزلگاه شبانه اش رفتم مرا ندید.

سراینده در این بیت به آیه «وَ نَادَى نُوحٌ اِبْنَهٗ وَ كَانَ فِی مَعْزَلٍ يَا بَنِيَّ اِرْكَبْ مَعَنَا وَ لَا تَكُنْ مَعَ الْكٰفِرِيْنَ». (هود، ۴۲) اشاره دارد.

۶- اماکن مقدس

در سرزمین فلسطین که مهد ادیان سه گانه توحیدی است، اماکن مقدس فراوانی چون مسجدالاقصی، کلیسای عهد، کلیسای پیدایش، حرم شریف ابراهیم خلیل (ع) و شهرهای مقدسی چون بیت لحم و ناصره، زادگاه عیسی بن مریم (ع) و مهد مریم عذرا (س) وجود دارد، که همگی منبع الهام شعرای آن دیار بوده‌اند. حسن بحیری پس از حادثه آتش سوزی مسجد الاقصی از این‌که قبله نخست مسلمانان در چنگال دشمن اسیر شده، سخت آزرده خاطر است: (همو، ۸۷-۸۸)

وَقَفْتُ فِي الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى أَسْأَلُهُ وَالنَّارُ فِي جَنَابَاتِ الصُّدْرِ تَسْتَعِيرُ
مَا بَالَ مِحْرَابِكَ الطَّهْرَى تَغْمِرُهُ ظِلَالُ غَمٍّ دَجَاهَا لَيْسَ يَنْحَسِرُ
وَمَا لِمَنْبَرِكَ الْقُدْسَى مُكْتَنِبًا فَمَا عَلَيْهِ لِصَوْتِ الْحَقِّ مُنْتَبِرُ
وَلِلْمَأْذَنِ قَدْ غَابَتْ أَهْلِهَا فَمَا عَلَيْهَا لِإِشْرَاقِ الْهُدَى أُنْرُ
فَكَادَتْ الْقِبْلَةَ الْأُولَى وَصَخْرَتُهَا عَنِ الْخَطِيمِ وَرُكْنِ الْبَيْتِ تَنْتَبِرُ
وَزَلْزَلَتْ أَسَاسَ الْأِسْلَامِ نَائِبَةً بَكَتْ لَهَا فِي طُرُوسِ الْمُصْحَفِ السَّرْرُ

در کنار مسجد الاقصی ایستادم تا از آن پرسش کنم، در حالی‌که تا اعماق سینه‌اش در آتش می‌سوخت. چه شده که هاله ای از غم و اندوه بر محراب مطهر تو سایه افکنده است و تیرگی غمت را پایانی نیست. چرا منبر مقدست اندوهگین است و دیگر از فراز آن ندای حق طلبی به گوش نمی‌رسد. نشانه‌های گلدسته‌هایت از میان رفته‌اند و در آن‌ها از تابش نور هدایت اثری نیست. نزدیک بود قبله نخست مسلمانان و «مسجد قبه الصخره» آن از پایه و اساس ویران شوند. ستونهای استوار اسلام در اثر فاجعه سهمگینی به لرزه درآمدند. چندان که نقوش صفحات کتاب آسمانی نیز بر آن گریست.

شاعر در ادامه قصیده پس از مسجد الاقصی به کلیسای «القیامه» و قداست شهرهای ناصره و بیت لحم اشاره دارد و موقعیت آن‌ها را پس از اشغال یهود بازگو می‌کند: (همانجا، ۹۴)

فَفِي «الْقِيَامَةِ» هَامَاتٌ مُنْكَسَةٌ يُدْمِي أَكَالِيهَا الشُّوْكَ الَّذِي صَفَرُوا
يَا وَيْلَتَا أَسْكَنْتَ أَجْرَاسُهَا وَغَدَاً يَبْكِي لِأَلَامِ «فَادِيهَا» بِهَا الْحَجَرُ

وَ فِی ذَرَا بَیْتِ لَحْمٍ فَوْقَ «مذودها» وَ «مهدها» مَدْمَنُ لَیْلِ الْأَسَى اِزْر
 در کلیسای «قیامت» حشرات وارونه مسکن گزیده‌اند. چنگال‌های آن‌ها خناری که
 خونین می‌سازد. وای بر من ناقوس‌های کلیسا دیگر به صدا در نمی‌آیند و فردا سنگ
 نیز بر اندوه «فادی» خواهد گریست. در بلندترین نقطه بیت لحم بر فراز «مذود» و
 «کلیسای پیدایش» قهقهه باده گساران شب‌اندوه به گوش می‌رسد.

شاعر دیگر نیز در قصیده دیگری شوق و اشتیاق زائداالوصف خود را نسبت به
 محراب و حرم شریف ابراهیمی (ع) که از آنجا رانده شده، اینگونه به تصویر کشیده
 است: (دجانی، ۲۰)

حَنینٌ لَا یَروُحُ وَ اِدْکَاؤُ
 اِلی مِحْرَابِ رُوحِکَ فِی صَفَاءِ
 قَسوی الدُّنْیا، فَأَجَلَتْهَا الشَّفَاؤُ
 اِلی الدَّارِ التِّی اَقْصِیْتَ عَنْهَا
 حِدَاةُ الرَّکْبِ شُوقٌ وَ اِدْکَاؤُ
 سوز و گداز من پایانی ندارد، شور و اشتیاق، آرزوها و دردها همگی برآشفته‌اند. هر
 گاه که روز طلوع می‌کند به محراب تو روی می‌کند، به سوی حریمی که نیروهای
 اهریمنی دنیا برگرد آن حلقه زده‌اند. به آن خانه ای که از آنجا رانده شده‌ام شوق و
 اشتیاق دارم.

۷- مناسبات دینی

در میان مردم مسلمان فلسطین برپایی مراسم مذهبی و اعیاد دینی و به طور کلی
 حفظ شعائر اسلامی از جایگاه والایی برخوردار است. عید فطر، عید قربان،
 میلاد پیامبر (ص)، سالروز معراج یا بعثت رسول اکرم، شب قدر، ماه مبارک رمضان
 و... به مصداق آیه شریفه «وَ مَنْ یُعْظِمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَاِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»
 (الحج، ۳۲) یعنی: آنکه شعائر دین خدا را بزرگ شمارد، این صفت دل‌های با
 تقوی است، سوره‌های الهام بخشی هستند که شاعران قصاید و اشعار متعددی درباره
 آن‌ها سروده‌اند. این امر از یک سو دلالت بر اهتمام و توجه مسلمانان به مراسم
 مذهبی دارد و از سوی دیگر می‌تواند فرصتی مناسبی را پیش روی شاعر فراهم آورد

تا در خلال آن برای بیداری اذهان عمومی مردم و بر ملا ساختن توطئه‌های استعمارگران تلاش کند و مسلمانان سایر کشورها را به وحدت کلمه و اتحاد فراخواند: (ابوسلمی، ۳۴)

الأهازیجُ فی السَّماءِ وَ فی الأَر
ض تحیی شَهْرَ الهُدَى وَ النُّورِ
وَالسَّنَا یَمَلَأُ القلوبُ وَ یجلو
عَنْ مُحیبا الدُّنیا ظلامَ الشرورِ
فی لیالیك أسمع النِّغمَ العلوٰی
یَسْرِی مُغْلَغَلا فی الدُّهورِ
كُلما أَصغَتِ النُّفوسُ إِلیهِ
ظَهَّرَتِ مِنْ ضَلالَةٍ وَ فجورِ
أنتِ وَ حَدهُم فلا فَرَقَ ما بَینَ
یَتیمِ وَ یَینَ رَبُّ سَریرِ

صدای ترانه‌هایی که از زمین و آسمان به گوش می‌رسد، حلول ماه هدایت و نور را تحیت می‌گوید. نور و روشنایی که بر قلب‌ها سایه افکنده سبب شده تا زشتی و تاریکی‌ها از چهره دنیا زدوده شود. شبانگهان به صدای نغمه‌های قدسیت گوش می‌سپارم که آرام آرام در دل روزگار رسوخ می‌کنند. هرگاه با جان و دل به آن‌ها گوش بسپارند، از گمراهی و ضلالت پاک خواهند شد. تو یکی از آن‌ها هستی. در این ماه میان انسان یتیم یا صاحبان تخت و تاج تفاوتی نیست.

همچنین فرا رسیدن مناسبت‌های دینی و مذهبی فرصتی را برای شاعران فلسطینی مهیا می‌سازد تا تصویرگر آرزوها و آرمان‌های هموطنانش باشند و چون هارون هاشم رشید سوز و گداز، اندوه و حسرت پناهندگان را توصیف کند: (طوقان، قدوی، ۳۱)

أعیذُ الفِطْرِ هَلْ لِلإِجِّ المَحرومِ مِنْ فِطْرِ
وَ قَدِ أَسْلَمَتِ العاتونَ لِلأسقامِ وَ الفِقرِ
وَ هَامَ الإِخوةُ الأحرارُ مِنْ فِطْرِ إِلَى فِطْرِ
وَلیسَ لَهُمْ سِوَى التَّأنیبِ وَ التَّقْرِیعِ وَ الزَّجْرِ
أعیذُ الفِطْرِ لِإِجْتِ إذا لَمْ تَأْتِ بِالنَّصْرِ
إِذا لَمْ تَأْتِ وَ الأوطانُ فی بُحیوَحَةِ الخَیرِ
إِذا لَمْ تَأْتِ وَ الأحرارُ مِلءُ المُوطنِ الحَرِّ

آیا در روز عید فطر پناهنده محروم فلسطینی هم می‌توانند افطار کنند. حال آنکه طغیانگران او را در گرداب فقر و بیماری افکنده‌اند، یا آزاد مردانش در مناطق مختلف سرگردانند و جز توبیخ، سرزنش و ملامت چیزی درانتظار آنان نیست؟ آیا تا زمانی که پیروزی تحقق نیابد یا خیر و برکت به این کشور سرازیر نشود و یا رادمردان وطن‌آزاد خود را در آغوش نگیرند، عید می‌تواند برای پناهندگان فلسطینی مفهومی داشته باشد؟

شاعر در این قصیده بیان می‌کند تا وقتی که هموطنانش در غربت به سر می‌برند و کشورش از یوغ تجاوزگران آزاد نگشته است، عید واقعی مفهومی ندارد. عید واقعی در نظر شاعر آن روزی است که آمال فلسطینیان تحقق یابد و نوید پیروزی و آزادی از هر سو به گوش رسد.

میلاد، معراج و هجرت پیامبر (ص) نیز موضوعات دیگری هستند که شعرا به آن پرداخته و در لابلای آن به تاریخ پر عظمت اسلام و فروپاشی کفر و شرک اشاره کرده‌اند. هنگامی که نیروهای اشغالگر اسرائیل در شب میلاد حضرت مسیح کلیسای «القیامه» زادگاه حضرت عیسی بن مریم (ع) را بمباران کردند، کمال ناصر از دریند شدن زادگاه

حضرت مسیح (ع) و محل معراج نبی اکرم (ص) فریاد بر آورد: (همو، ۳۴۳-۳۴۴)

يا ليلة الميلاذ هذا شاعرٌ يَشْكُو الأذى في ليلة الميلاذ

أحلامه ذُبلت و عاجلها الردى فذوت على غصن الصبا الميلاذ

عیسی ابن مریم قد عرفتک هادئاً فأغضب ولو في ليلة الميلاذ

و أشهد مآسى الغرب، كل جرمة قامت هنا باسم المسيح الفادى

أما المحبة فلتحول غضة هوجاء تذكى الحقد فى الأغماذ

أما الحنان فسوف تمشى باسمه نأراً لتعلو راية الأمجاد

ای شب میلاد مسیح، این شاعر از اذیت و آزاری که در این شب به او روا داشته‌اند

شکوه می‌کند. او شاعری است که آرزوهایش بر باد رفته، مرگ او را به کام خود

کشیده و شاخسار پر طراوت جوانی‌اش پژمرده شده است. ای عیسی بن مریم هر چند

تو پیامبری صبور هستی اما اینک در شب تولدت فریاد برآور. بنگر که غرب به اسم

حضرت مسیح منجی انسان‌ها چه جنایاتی را مرتکب می‌شود. در آنجا محبت به

خشمی کوکوردانه بدل گشته و آتش کینه را در دل‌ها می‌افروزد.

۱- جانفشانی و شهادت در راه خدا

تاریخ گواه است که ملت فلسطین از دیرباز در راه حفظ هویت اسلامی و کیان ملی خود به پا خواسته و در این راه از بذل مال و جان دریغ نورزیده است. اما با شروع انتفاضه در ۸ دسامبر ۱۹۸۷ روحیه جهاد، مبارزه، ایثار و شهادت در کالبد فلسطینیان دمیده شد. شهدای فلسطینی با جانفشانی و بذل ارزنده ترین سرمایه

وجودی خویش اثبات کردند که قتل و ارباب نمی‌تواند آنان را از انجام رسالت سازنده خود که همان دفاع از کرامت اسلامی و ارزش‌های والای انسانی و آزادی میهن است، باز دارد. در واقع همگی بر این باورند که «وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». (آل عمران، ۱۶۹-۱۷۰) یعنی: شهیدان راه خدا را مرده نپندارید، بلکه آنان زنده‌اند و در نزد پروردگارشان روزی می‌خورند. آنان به فضل و رحمتی که خداوند نصیبشان نموده، شادمانند و به مومنانی که در پی آنانند و هنوز به ایشان نپیوسته‌اند بشارت می‌دهند که هیچ خوفی و اندوهی به خود راه ندهند.

به اعتقاد آن‌ها هیچ عزت، سعادت و کرامتی با فضیلت تر از جهاد در راه خدا نیست؛ «الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (التوبه، ۲۰) یعنی: آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا با مال و جان خویش جهاد کردند، ایشان رستگارند. چه، اگر پیروزی و ظفر یابند، از احترام والایی برخوردار می‌گردند و اگر در این راه جان بازند در بهشت جاویدان الهی متنعم می‌شوند و نیز «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلاَّ إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ» (التوبه، ۵۲) یعنی: آیا شما جز یکی از دو نیکویی بهشت یا فتح چیز دیگری را برای ما انتظار دارید. موضوع شهادت، ایثار، جهاد و جانفشانی در راه وطن مسأله مهمی است که حجم وسیعی از اشعار شاعران فلسطینی را به خود اختصاص داده است و برخی از آنان چون توفیق زیاد پیوسته در آثار خود از مقام شامخ «شهید» با عظمت یاد کرده‌اند: (زیاد، ۱۵۹)

إِرْفَعُوهُ أَرْفَعُوهُ	فَوْقَ أَعْنَاقِ الرِّجَالِ
وَ اذْرَعُوهُ فِى جَبِينِ اللِّ	لَيْلِ نَجْمًا فِى الْأَعَالِى
أَيُّ أُمَّ لِم تَرَعُرِد	أَيُّ رَأْسٍ غَسِيرُ عَالِى
أَيُّ طِفْسَلٍ لِم يُرَدُّ	عَاشِ أَيْطَالِ النَّزَالِ
وَ شَهِيدٍ لَيْسَ يَفْتَسِى	رَاقِدٍ فِى كُلِّ بَالِ

شهیدان را بر روی دست آزادمردان کشور قرار دهید، تا بر فراز پیشانی شب همچون

ستاره ای پرفروز خودنمایی کنند. کدام مادر درسوگ شهیدش نگریست. چه کسی در برابر عظمت او سر فرود نیاورد. کدام کودک فریاد وزنده با قهرمانان جهاد را برزبان نراند. شهیدان هرگز فانی نمی‌شوند، بلکه آسوده خاطر آرمیده‌اند.

نتایج مقاله

از آنچه گذشت می‌توان دریافت که رنگ‌دینی و مذهبی بر سراسر شعر معاصر فلسطینی حاکم است. شاعر در خلال آثار خود به بیان دیدگاه‌ها، تصورات و عقاید خویش از جهان هستی، مرگ، مبدا، معاد و... می‌پردازد و به هنگام بیان این عقاید می‌کوشد تا حوادث جاری و وطنش را در قالب آن‌ها ترسیم کند. از این رو به احساسات و عواطف خود به هنگام بروز حوادث، رخدادها و مصایبی که بر وطنش گذشته و هموطنانش را در کام خود فرو برده، صبغه اسلامی و دینی می‌بخشد و به بیان آن‌ها می‌پردازد.

مهم‌ترین موضوعات دینی و مفاهیم مذهبی که در شعر معاصر فلسطین جلوه‌گر است، عبارتند از:

- بر شمردن فضیلت قرآن مجید؛
- بیان اماکن مقدس این سرزمین؛
- ذکر ظلم و ستم حاکم بر جامعه فلسطینی؛
- دعوت به صبر و پایداری در برابر حوادث و مشکلات؛
- جانفشانی در راه وطن و شهادت در راه خدا؛
- فراهم کردن زمینه لازم برای دستیابی به پیروزی نهایی و رهایی این سرزمین از چنگال اشغالگران؛
- نفی هرگونه سازش و تسلیم در برابر دسیسه‌های صهیونیستی.

کتابشناسی

۱- قرآن کریم.

۲- ابو سلمی (عبد الکریم کرمی)، دیوان شعر، بیروت، دارالعودة، ۱۹۸۱م.

- ٣- ابويصير، صالح، جهاد شعب فلسطين، بيروت، دارالفتح، ١٩٧١ م.
- ٤- احمد، نجيب، فلسطين تاريخاً و نضالاً، عمان، دارالجليل، ١٩٨١ م.
- ٥- بحيرى، حسن، الأصائل و الأسحار، قاهره، ١٩٤٦ م.
- ٦- بحيرى، حسن، لفلسطين أغنى، بيروت، دارالآداب، ١٩٦٨ م.
- ٧- جرار، حسنى، شعراء الدعوة الاسلامية، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٩٧٨ م.
- ٨- جرار، مأمون، الاتجاه الاسلامى فى الشعر الفلسطينى الحديث، عمان، دارالبشير، ١٩٨٤ م.
- ٩- خليل، جورج، الشعر العربى فى خدمة الإسلام، تل آويو، دارالنشرالعربى، ١٩٦٧ م.
- ١٠- دجانى، كامل، فى غمرة النكبة، بى جا، ١٩٧١ م.
- ١١- رشيد، هارون هاشم، الأعمال الشعرية الكاملة، بيروت، دارالعودة، ١٩٨١ م.
- ١٢- زيدي، احمد، مختصر صحيح بخارى، به كوشش ابراهيم بركه، بيروت، دارالنفائس، ١٩٨٥ م.
- ١٣- زياد، توفيق، ديوان، بيروت، دارالعودة، ١٩٧٠ م.
- ١٤- سوافيرى، كامل، الشعر العربى الحديث فى مأساة فلسطين، قاهره، مطبعة السجل العرب، ١٩٨٥ م.
- ١٥- طوقان، ابراهيم، ديوان، به كوشش احسان عباس، بيروت، دارالقدس، ١٩٧٥ م.
- ١٦- طوقان، فدوى، الأعمال الشعرية الكاملة، المؤسسة العربية للدراسات و النشر، الطبعة الاولى، ١٩٩٣ م.
- ١٧- عبوشى، برهان الدين، جبل النار، المطبعة الاقتصادية، بيت المقدس، ١٩٤٧ م.
- ١٨- كيالى، عبدالوهاب، تاريخ فلسطين الحديث، بيروت، المؤسسة العربية للدراسات و النشر، ١٩٧١ م.
- ١٩- محمود، عبدالرحيم، ديوان، بيروت، دارالعودة، ١٩٨٧ م.
- ٢٠- ناصر، كمال، الآثار الشعرية الكاملة، به كوشش احسان عباس، بيروت، المؤسسة العربية للدراسات و النشر، ١٩٧٤ م.
- ٢١- نيهانى، يوسف، ديوان، بيروت، المطبعة الأدبية، ١٩٤٧ م.
- ٢٢- ياغى، عبدالرحمان، حياة الأدب الفلسطينى الحديث، بيروت، دارالآفاق الجديده، ١٩٨١ م.